



Examining the Document and Indication of the Hadith:

“تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ” (Ta‘awwadhu billāh min ḥubb al-ḥuzn)”

Ahmad Morvarid¹

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Legal Foundations, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: dr.morvarid@razavi.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 23 July 2024

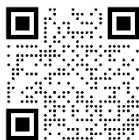
Revised: 30 September 2024

Accepted: 13 May 2025

Available Online: 25 May 2025

Keywords:

Ethical and Educational
Narrations, ḥubb al-ḥuzn,
State of Sorrow, Chain of
Transmission Analysis,
Semantic Analysis.



ABSTRACT

“Sorrow” is one of the significant human states, regarding which a saying from the Prophet Muḥammad(pbuh) has been transmitted through Imam Reza(pbuh).). The study of this hadith is important due to objections raised concerning its transmission in Shi‘i narrational sources. In this research, utilizing a descriptive-analytical method and based on library resources, after examining the text and document of the hadith and clarifying its terms, various possible interpretations of its purport have been evaluated. The findings of this study indicate that in Sunni sources, the hadith is transmitted as *تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ* ta‘awwadhu billāh min ḥubbi al-ḥuzn” and is accompanied by a continuation, whereas in Imami (Shi‘i) hadith sources, the phrase *تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ* ta‘awwadhu billāh min ḥubb al-ḥuzn” appears without any addition. The chains of transmission of these two narrations differ between Sunni and Imami sources, and the mere similarity of the two phrases does not justify the conclusion that the narration entered Shi‘i tradition from Sunni sources or that a scribal error occurred. However, the chain of transmission (Sanad) of both narrations in Shi‘i and Sunni sources is weak. For the narration found in Shi‘i sources, at least two reasonable interpretations can be mentioned: 1) Love of purposeless depression and sorrow is a great danger; 2) Love, in its specific sense, is of the nature of sorrow, and one must seek refuge in God from it. Therefore, the objection that the narration in Imami hadith sources lacks a correct meaning is unfounded.

Cite this article: Morvarid, A. (2023). Examining the Document and Indication of the Hadith: “تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ” (Ta‘awwadhu billāh min ḥubb al-ḥuzn)”. *Hadith Doctrines*, 7(14), 5-26.
<https://doi.org/10.30513/hd.2025.6194.1225>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



بررسی سند و دلالت روایت «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحَزَنِ»

احمد مروارید^۱

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه:

dr.morvarid@razavi.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
«اندوه» یکی از حالات مهم انسانی است که درباره آن، سخنی از حضرت رسول اکرم (ص) از طریق حضرت رضا (ع) نقل شده است. پژوهش درباره این حدیث از این جنبه اهمیت می‌یابد که در خصوص نقل آن در منابع روایی شیعه اشکالاتی مطرح شده است. در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، پس از بررسی متن و سند حدیث و تبیین واژه‌ها، احتمالات گوناگون در مدلول آن ارزیابی شده است. دستاورد این تحقیق، آن است که در مصادر اهل سنت، روایتی به صورت «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحَزَنِ» نقل و ادامه‌ای نیز برای آن ذکر شده است، اما در منابع روایی امامیه، جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحَزَنِ» بدون ذیل، روایت شده است. سلسله سند این دو روایت در منابع اهل سنت و امامیه متفاوت است و صرف شباهت این دو جمله دلیل بر راه پیدا کردن این روایت از منابع روایی اهل سنت به تراش شیعی و وقوع تصحیف در آن نیست. اما سند هر دو روایت منقول در مصادر شیعی و اهل سنت ضعیف است. برای روایت منقول در منابع شیعی، حداقل دو تفسیر معقول می‌توان ذکر کرد: ۱. عشق به افسردگی و اندوه بی‌هدف خطری بزرگ دارد؛ ۲. عشق به معنای خاص آن، از جنس اندوه است و باید از آن به خدا پناه برد. بنابراین اشکال وارد شده مبنی بر فقدان معنای صحیح برای این روایت منقول در مصادر روایی شیعه، ناتمام است.	نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴ کلیدواژه‌ها: روایات اخلاقی و تربیتی، حُبُّ الْحَزَنِ، حالت اندوه، بررسی سندی، بررسی دلالتی.

استناد: مروارید، احمد. (۱۴۰۲). بررسی سند و دلالت روایت «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحَزَنِ». آموزه‌های حدیثی، ۷(۱۴)، ۲۶-۵

<https://doi.org/10.30513/hd.2025.6194.1225>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

بر اساس کلام خداوند در قرآن، تمامی آموزه‌های دینی دعوت‌کننده به زندگی است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال/۲۴)؛ «ای آنان که ایمان آورده‌اید! دعوت خداوند و رسول وی را آن هنگام که شما را به آنچه مایه زندگی شماست فرا می‌خواند، اجابت کنید».

زندگی به معنای کلامی آن عبارت است از دانایی و توانایی. بنابراین اگر برداشت از یک گزاره موجب تضعیف دانایی و توانایی در انسان‌ها گردد، با روح تعالیم اسلام ناسازگار است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۵۴).

یکی از عواملی که برداشت ناهمسو با روح آموزه‌های دینی را در پی دارد، عدم اهتمام به پژوهش‌های تخصصی درباره روایات اخلاقی و تربیتی است، درحالی که باید این گونه روایات را همانند روایات مربوط به احکام شرعی با دقت فقیهانه و با معیارهای صحیح سنجید و در فهم معنای آن بر اساس قواعد زبانی سخت کوشید و این احادیث را نیز باید در کنار آیات قرآن و روایات دیگر مورد توجه قرار داد، چراکه در احادیث اخلاقی نیز عام و خاص و مطلق و مقید و گاه موارد متعارض وجود دارد.

از جمله این روایات، سخن منقول از حضرت رسول اکرم (ص) است. این روایت در منابع روایی امامیه از طریق حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) بیان شده است.

اهمیت بحث

پژوهش ضابطه‌مند در این روایت از دو جنبه دارای اهمیتی بسزاست: اولاً: درباره نقل این حدیث در منابع روایی شیعه اشکالاتی مطرح شده است. ثانیاً: در این حدیث به موضوع «اندوه» اشاره شده و اندوه یکی از حالاتی است که تمامی انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. بنابراین بررسی دیدگاه دین در این باره مهم و تأثیرگذار است.

پیشینه بحث

بر اساس جست‌وجوی انجام‌شده، هیچ پژوهشی، اعم از کتاب یا مقاله، به صورت مستقل به واکاوی سندی و دلالتی این روایت نپرداخته است. تنها در کتاب *لوامع الأنوار*

فی شرح عیون أخبار الرضا(ع) در ذیل این حدیث، در کمتر از یک سطر به یک احتمال درباره معنای حدیث اشاره شده است (جزائری، ۱۳۹۶، ص ۴۶۴) و در کتاب ترجمه و شرح عیون أخبار الرضا(ع) به دو احتمال در مقصود از این روایت اشاره شده است (نجفی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۹)، اما در این دو کتاب، اعتبار سند حدیث مزبور بررسی نگردیده و احتمالات دیگر در معنای آن ذکر نشده است.

در میان آثار اهل سنت، در برخی کتاب‌ها که به شرح روایات صحاح سته پرداخته‌اند، تنها به اشاره کوتاه به سند و معنای این حدیث اشاره شده است (مبارکفوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۹؛ ابن عربی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۱۶۶).

اما در پژوهش حاضر برای نخستین بار سند، متن و دلالت این حدیث به طور جداگانه و به تفصیل بررسی گردیده و به برخی اشکالات در این باره پاسخ داده شده است.

شیوه بحث

در این نوشتار، پس از اشاره به تفاوت‌هایی که در نقل متن این حدیث وجود دارد، سند آن در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در گام بعد، پس از تبیین واژه‌های کلیدی در این حدیث، احتمالات گوناگونی که در مدلول آن وجود دارد، ارزیابی شده است.

۱. متن روایت

دو روایت از حضرت رسول اکرم(ص) نقل شده است. متن روایت منقول در منابع روایی اهل سنت و شیعه متفاوت است. با این توضیح که: در سنن ابن ماجه و کنز العمال روایتی به این صورت آمده است:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ». قالوا: يا رسول الله، وما جبُّ الحزن؟ قال: «واد في جهنم، يتعوذ منه جهنم كل يوم أربعمئة مرة»، قالوا: يا رسول الله من يدخله؟ قال: «أعد للقرء المرائين بأعمالهم، وإن من أبغض القرء إلى الله الذين يزورون الأمراء» (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۴۷۲).

ترجمه: رسول اکرم(ص) فرمود: از چاه اندوه به خدا پناه برید. گفتند: ای رسول خدا! چاه اندوه چیست؟ فرمود: منطقه‌ای است در دوزخ که جهنم خود هر روز چهارصد

بار از آن به خدا پناه می‌برد. پرسیدند: ای رسول خدا! چه کسی در آن وارد می‌شود؟ فرمود: این منطقه برای قاریانی که با رفتار خود مرتکب ریا می‌شوند مهیا شده است، و همانا از مبعوض‌ترین قاریان نزد خداوند کسانی هستند که به دیدار امیران می‌روند.

این روایت در سنن ترمذی و تفسیر قرطبی به این صورت ذکر شده است:
 «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ». قالوا: يا رسول الله، وما حبُّ الحزن؟ قال: «واد في جهنم، يتعوذ منه جهنم كل يوم مائة مرة». قالوا: يا رسول الله من يدخله؟ قال: «القراء المراءون بأعمالهم» (ترمذی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۱؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹).

اما در منابع روایی شیعه، روایتی دیگر نقل شده که به لحاظ ظاهری شبیه به روایت منقول در کتب اهل سنت است. این روایت در منابع امامیه به این صورت آمده است:
 «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ». کتاب عیون أخبار الرضا (ع). نخستین منبع شیعی است که این روایت در آن نقل شده (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۱) و همین کتاب، مصدر نقل روایت در منابع متأخر قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۵۸).

تفاوت مهم این دو روایت در منابع روایی شیعه و اهل سنت در دو مطلب است: نخست آن که در منابع روایی اهل سنت، «حُبِّ الْحُزْنِ» و در منابع روایی شیعی، «حُبِّ الْحُزْنِ» آمده است. دیگر این که در منابع شیعه ادامه‌ای برای این جمله نقل نشده است. در یکی از شروح کتاب عیون أخبار الرضا نخست این جمله بر اساس «حُبِّ الْحُزْنِ» ترجمه شده و در پاورقی توضیح داده شده است. مؤلف در ادامه گوید: «اگر به حاء مهمله باشد چنان که در بعضی نسخ است، شاید معنی این باشد که...» و سپس تفسیر خود را از جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» بیان می‌کند، اما توضیح نمی‌دهد که آیا عبارت «حُبِّ الْحُزْنِ» را در نسخه خاصی یافته است یا بر اساس معنای معقولی که به نظر وی آمده است، «حُبِّ الْحُزْنِ» را اساس ترجمه قرار داده و به اصطلاح تصحیح قیاسی انجام داده است (نجفی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۹۹).

در برخی ترجمه‌های کتاب عیون أخبار الرضا (ع) این جمله به همان شکل نقل شده در منابع اهل سنت و به صورت «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» آمده و هیچ اشاره‌ای به وجود اختلاف در نسخه‌های این کتاب نشده است (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۲).

اما نقل این حدیث به این صورت، در کتب شیعه دلیل استواری ندارد. توضیح این که منبع اصلی روایت منقول در کتب شیعه چنان که گذشت، کتاب عیون أخبار الرضا(ع) است. این کتاب به صورت تصحیح شده به چاپ رسیده و به گفته مصحح آن در مقدمه، این تصحیح بر اساس مقابله نسخه‌های مختلف این کتاب صورت گرفته است (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۱۱). وی در موارد مختلفی به اختلاف نسخه‌های موجود، در پاورقی کتاب اشاره نموده است، اما روایت مورد بحث را به صورت «حُبُّ الْحُزْنِ» نقل کرده و در هنگام نقل این روایت، هیچ اشاره‌ای به نقل این روایت به صورت دیگر در نسخه‌های مختلف آن نکرده است (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ۶۱). علاوه بر این که علامه مجلسی این روایت را به صورت «حُبُّ الْحُزْنِ» نقل کرده است نه «جَبُّ الْحُزْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۵۸).

۲. سند روایت

۲-۱. سند روایت منقول در منابع روایی اهل سنت

این روایت در دو کتاب از صحاح سته اهل سنت و برخی منابع دیگر به این صورت نقل شده است:

«حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَا: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُحَارِبِيُّ حَدَّثَنَا عَمَّارُ بْنُ سَيْفٍ عَنْ أَبِي مُعَاذٍ الْبَصْرِيِّ وَحَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِي مُعَاذٍ عَنْ ابْنِ سِيرِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جَبِّ الْحُزْنِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا جَبُّ الْحُزْنِ؟ قَالَ: وَادٍ فِي جَهَنَّمَ تَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلُّ يَوْمٍ أَرْبَعِمِائَةِ مَرَّةٍ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ يَدْخُلُهُ؟ قَالَ: أَعِدَّ لِلْقَرَاءِ الْمَرَاتِينَ بِأَعْمَالِهِمْ، وَإِنْ مِنْ أَبْغَضِ الْقَرَاءِ إِلَى اللَّهِ الَّذِينَ يَزُورُونَ الْأُمَرَاءَ» (ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۹۴)

راوی بدون واسطه این روایت، ابوهریره است. برخی رجال‌شناسان درباره وی عنوان «صاحب رسول الله»، «حافظ الصحابه» و «أحفظ الصحابه» را به کار برده‌اند (عسقلانی، ۱۳۲۵ش، ج ۱۲، ص ۲۶۲؛ عجلی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۳۳).

اما درباره وثاقت وی مناقشات مختلفی وجود دارد (ابن قتیبه، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۶؛ سخاوی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷).

اگر وثاقت وی را نیز بپذیریم، باز هم سند این روایت ضعیف است، چون در سند آن دو نفر به نام‌های عمار بن سیف و ابومعاذ وجود دارند. عمار بن سیف تضعیف شده (عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۷، ص ۴۰۲) و ابومعاذ نیز مجهول است (عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۱۲، ص ۲۳۹) و از این جاست که در ارزیابی این روایت آمده است: «حدیث غریب» (مبارکفوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۹؛ ابن عربی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۱۶۶).

۲-۲. بررسی سند روایت منقول در منابع روایی امامیه

این روایت در کتاب عیون أخبار الرضا(ع) به این صورت آمده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَالِمِ بْنِ الْبَرَاءِ الْجَعَابِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ التَّمِيمِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي سَيْدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ»» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۱).

علامه مجلسی نیز در کتاب بحار الأنوار این روایت را از عیون أخبار الرضا نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۵۸).

در سند این روایت از شیخ صدوق تا حضرت رضا(ع)، دو نفر به نام‌های «محمد بن عمر بن محمد» و «حسن بن عبدالله بن محمد» وجود دارند. در منابع رجالی بر وثاقت و جلالت شأن «محمد بن عمر بن محمد» تصریح شده است (حلی، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۴۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۹۴؛ طوسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۲۵). اما بنابر آنچه در این سند آمده است، راوی این حدیث از امام رضا(ع)، «حسن بن عبدالله بن محمد» است. نام وی در منابع رجالی آمده است، ولی در مورد او هیچ توثیقی در منابع رجالی ذکر نشده است (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۶۹). نکته قابل توجه درباره طبقه وی این است که او جزو راویان از امام رضا(ع) شمرده نشده، بلکه روایات نقل شده از وی به واسطه پدر اوست (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۶۹). در نتیجه، این احتمال وجود دارد که در سند این روایت سقط رخ داده باشد و پدر وی یعنی عبدالله بن محمد، راوی بلاواسطه از امام رضا(ع) باشد. اما وثاقت وی نیز از

سوی رجال‌شناسان تأیید نشده و تنها در مورد او گفته‌اند: «له نسخة عن الرضا عليه السلام» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۲۸). بنابراین سند روایت منقول در مصادر روایی شیعه نیز ضعیف است.

نکته قابل توجه در این بخش آن‌که، برخی با اطمینان به راه یافتن این حدیث از منابع اهل سنت به منابع روایی شیعه، این ایراد را به منابع شیعه مطرح کرده‌اند که در این حدیث تصحیف صورت گرفته و به جای «تعوذوا بالله من حبّ الحزن» به صورت «تعوذوا بالله من حبّ الحزن» آمده است (هاشمی خراسانی).

اما چنان‌که گذشت، سلسله سند روایت منقول در مصادر اهل سنت و منابع روایی شیعه، کاملاً متفاوت است و صرف شباهت بین دو جمله دلیل بر اتحاد روایت و وقوع تصحیف در آن نیست.

۲. تحلیل محتوا و بررسی دلالتی

۳-۱. تحلیل واژگان

۳-۱-۱. تعوذ

«تَعَوَّذَ» مأخوذ از ماده «عَاذَ يَعُوذُ» به معنای پناه بردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۹۸).

۳-۱-۲. حُبّ

«حُبّ» به معنای دوست داشتن است. برخی عالمان لغت گفته‌اند: فرق بین «حُبّ» و «عشق» آن است که در عشق، جنبه‌های شهوانی وجود دارد، اما در حُبّ لزوماً چنین ویژگی وجود ندارد (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲، ص ۱۲۲).

۳-۱-۳. حُبّ

«حُبّ» به معنای چاه عمیق است. این واژه مأخوذ از ماده «حَبَّ يَحُبُّ» به معنای قطع کردن است، و از آن جهت که چاه عمیق قسمت‌های مختلف دارد، این نام بر آن نهاده شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۵۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۶۵).

۴-۱-۳. خَبّ

چنان‌که در ادامه مقاله خواهد آمد، برخی، روایت مورد بحث را بر اساس ترکیب «خَبّ الحزن» با خاء معجمه ترجمه کرده و واژه «خَبّ» را غلبه پیدا کردن و مسلط شدن بر چیزی معنا نموده‌اند. دستاورد جست‌وجو در کتب لغت این است که «خَبّ» به این معنا نیامده است و تنها معنایی که به معنای پیش‌گفته برای واژه «خَبّ» مقداری نزدیک است، «بالا آمدن» است. برخی لغت‌شناسان در این بخش گفته‌اند: «خَبّ النبات: طَالَ وارتفع» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۴۵).

۵-۱-۳. حزن

الف. معنای لغوی حزن و واژه‌های مرتبط

معنای لغوی واژه «حُزن» یا «حَزَن» روشن است و از آن‌جا که هیچ واژه‌ای معنای آن را بهتر نمی‌رساند، لغت‌شناسان صرفاً آن را «نقیض الفرح» و «خلاف السرور» معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۶۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۱۱).

برخی از عالمان، اهل و مال را نیز جزو معانی «حزن» شمرده‌اند (جزائری، ۱۳۹۶، ص ۴۶۴)، اما بر اساس آنچه در کتب لغت آمده است، این معنا مربوط به واژه «حُزْنة» است و نه «حُزن». در واقع، «حُزْنة» در مورد هر آنچه باعث هم و غم انسان است به کار می‌رود. «الحُزْنة بالضم و التخفيف عيال الرجل الذين يتحزن بأمرهم و لهم» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۱۱؛ طریحی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۳۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۱۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۴).

از آن‌جا که فهم دقیق معنای واژه «حزن» نیازمند مقایسه آن با واژه‌های مرتبط با آن است، ذکر و تبیین معنای این واژه‌ها نیز در فهم معنای «حزن» و بالتبع در درک معنای حدیث کمک‌کننده خواهد بود.

کلمه «غَمّ» مترادف با «حزن» است. «غَمّ» در اصل به معنای پوشاندن است، و از این جهت به شخص محزون، مغموم گفته می‌شود که به واسطه اندوه، خوشحالی و سرور وی پوشیده می‌شود. (طریحی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۳۲).

واژه «هم» نیز گاهی به جای حزن به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۶۱۹). البته برخی عالمان لغت گفته‌اند «هم» عبارت است از تأمل درباره کیفیت از بین بردن امر مکروه (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲، ص ۲۶۶)، و شاید از این جهت باشد که در برخی لغت‌نامه‌ها این واژه را «نگرانی» معنا کرده‌اند (معلوف، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۲۴).

از دیگر واژه‌هایی که معنایی نزدیک به «حزن» دارند، کلمه «بث» است. به نظر برخی، «بث» عبارت است از حزن شدید و در دیدگاه برخی، «بث» عبارت است از اندوهی که انسان آن را پنهان نسازد و آشکار کند. برخلاف «حزن» که عبارت است از اندوه پنهان (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۸۵)، همان‌طور که گفته‌اند «کآبة» عبارت است از حزنی که علایم آن در صورت ظاهر شود (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۴۳). شاید به همین دلیل باشد که در عربی معاصر واژه «اکتئاب» که مشتق از «کآبة» است معادل واژه افسردگی^۱ قرار داده می‌شود (خسروی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱).

ب. معنای اصطلاحی حزن و واژه‌های مرتبط

«حزن» یا اندوه^۲ یک واکنش طبیعی به فشارها و مصائبی است که در زندگی پدید می‌آید. عدم موفقیت، مشکلات ارتباطی، از دست دادن عزیزان عواملی هستند که موجب بروز این حالت در انسان می‌گردند. به وجود آمدن حزن در انسان به خودی خود نابهنجار نیست، اما زمانی که منجر به حالت‌هایی چون افسردگی یا مالیخولیا گردد، در ردیف اختلالات روانی شمرده می‌شود (سادوک، ۱۳۸۷، ص ۹۲).

با توجه به آنچه در ادامه مقاله خواهد آمد، فهم دقیق معنای روایت، بستگی به درک صحیح از واژه «افسردگی» دارد. بر این اساس، توضیحی کوتاه در مورد این واژه ذکر می‌شود.

«افسردگی» یکی از شایع‌ترین مشکلات روانی جهان امروز است، به گونه‌ای که برخی آن را با سرماخوردگی مقایسه می‌کنند (نینوایی، ۱۳۷۴، ص ۱۳). افسردگی یک حالت بیماری عاطفی است که با احساس ناامیدی، بی‌کفایتی، گناه، ترس و بی‌ارزشی همراه است. این حالت منجر به کاهش عمیق میل به فعالیت‌های لذت‌بخش روزمره، مانند

1. depression

2. sadness

معاشرت با دیگران، تفریح، ورزش و روابط جنسی است. از مهم‌ترین علایم افسردگی می‌توان به احساس درماندگی، میل به خودملا متگری، کاهش اعتماد به نفس، اضطراب و عدم تمرکز فکری اشاره کرد (برمن، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵؛ هالچین و ویتورن، ۱۴۰۱، ص ۳۰۱؛ فرمینی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲).

پاره‌ای از متخصصان سه درجه برای افسردگی ذکر کرده‌اند: افسردگی ساده،^۱ افسردگی حاد^۲ و افسردگی بهت‌زده^۳ (مهریار، ۱۳۷۳، ص ۶). افسردگی اگر مزمن و عمیق باشد، ممکن است به پدید آمدن مالیخولیا^۴ منجر شود (سامرویل، ۱۳۶۳، ص ۸۴۰).

۲-۳. بررسی دلالتی

معنای جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ» روشن است و دلالت بر آن دارد که آنچه در پی می‌آید، امری ناپسند یا ناخوشایند است که باید از آن به خدا پناه برد. اما از عبارت «حُبِّ الْحُزَنِ»، «حُبِّ الْحُزَنِ» و «حُبِّ الْحُزَنِ» برداشت‌های گوناگونی می‌توان داشت.

این عبارت، یک ترکیب اضافی است و اضافه انواع مختلفی دارد. با توجه به این نکات، در تفسیر این دو روایت، احتمالات گوناگونی می‌توان داشت. نخست مدلول روایت منقول در منابع شیعی و در ادامه، روایت ذکرشده در کتب اهل سنت بررسی خواهد شد.

۱-۲-۳. بررسی دلالتی «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزَنِ»

چنان‌که گذشت، این جمله در منابع روایی امامیه به صورت «حاء» و بدون جمله توضیحی نقل شده است. برای این جمله، چهار تفسیر می‌توان در نظر گرفت:

تفسیر اول: هشدار به عشق ورزیدن به اندوه

یکی از انواع اضافه، اضافه مصدر به مفعول به است. مانند «طلب العلم فريضة» (حسن، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۱۹).

-
1. simple depression
 2. acute depression
 3. depressive stupor
 4. melancholia

نخستین معنایی که از عبارت مورد بحث به نظر می‌رسد این است که رسول اکرم (ص) مسلمانان را از عشق ورزیدن به اندوه برحذر داشته‌اند، و ترکیب «حَبِّ الحزن» عبارت است از اضافه مصدر به مفعول به. توضیح آن که:

از بسیاری از روایات استفاده می‌شود که حزن به‌خودی‌خود امری پسندیده نیست. چنان‌که در برخی ادعیه، حزن از جمله مواردی شمرده است که از آن به خدا پناه می‌بریم. در دعایی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْعُجْزِ وَالْكَسَلِ» (ابن طائوس، ۱۴۱۱، ص ۹۹)؛ «خدایا به تو از غصه و اندوه و ناتوانی و کسالت پناه می‌برم».

از رسول اکرم (ص) روایت شده است: «أَنَا زَعِيمٌ بِثَلَاثٍ لِمَنْ أَكَبَّ عَلَى الدُّنْيَا: بِفَقْرٍ لَا غِنَاءَ لَهُ، وَبِشُغْلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَبِهِمْ وَحْزَنٌ لَا انْقِطَاعَ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۷۳)؛ «کسی که به دنیا بچسبد، من سه چیز را برای او قطعی می‌دانم: فقر بدون بی‌نیازی، مشغولیت بدون فراغت و نگرانی، و اندوه بی‌پایان».

در این روایت و روایات مشابه، برای برحذر داشتن از برخی امور مانند پرداختن بیش از حد به امور دنیوی، این مطلب را گوشزد کرده‌اند که پیامد این امور دچار شدن به اندوه بی‌پایان است، و این خود نشان می‌دهد که اندوه امری ناخوشایند و ناپسند است.

همچنین یکی از ویژگی‌های اولیاءالله آن است که دچار و ترس و اندوه نیستند: «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس/۶۲) و این ویژگی تنها مربوط به عالم آخرت نیست، بلکه آنان در دنیا نیز دچار اندوه نمی‌شوند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۳۵).

با این توضیح، رسول اکرم (ص) هشدار داده‌اند که مبادا در دام عشق ورزیدن به اندوه بیفتید.

عشق به اندوه بدون علت و هدفی مشخص نوعی خودآزاری است، و خودآزاری پدیده‌ای است که گاه ناخودآگاه دارای ماهیتی جنسی است (فروید، ۱۳۹۷، ص ۱۸۵). اندوه خودآزارانه وضعیتی است که باید از آن به خدا پناه برد، به‌ویژه اگر رنگ تقدس به خود بگیرد، و این پدیده شاید مصداقی از «شهوة پنهان» باشد که بر طبق یک روایت، رسول اکرم (ص) در مورد آن بر امت خویش بیمناک بودند (راوندی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۷).

پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که اگر اندوه ناپسند است چرا در

بسیاری از روایات محزون بودن به عنوان یک ویژگی پسندیده شمرده شده است؟ نمونه‌ها در این باب فراوان است، از جمله این که اندوهگین بودن پیوسته رسول اکرم (ص) یکی از ویژگی‌های ایشان معرفی شده است: «كان دائم الفكر متواصل الحزن» (دبلمی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۲۱). نیز در روایتی دیگر از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «إذا أحبَّ الله عبداً نصب في قلبه نائحة من الحزن فإنَّ الله يحبَّ كلَّ قلب حزين» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۸): «هنگامی که خداوند متعال بنده‌ای را دوست بدارد در قلب وی نوحه و اندوه را جای می‌دهد، چرا که خداوند تمامی قلب‌های اندوهگین را دوست می‌دارد».

امیرالمؤمنین (ع) یکی از ویژگی‌های متقیان را چنین توصیف می‌کند که آنان قلب‌هایی اندوهگین دارند: «قلوبهم محزونة» (نهج البلاغه، خطبة ۱۹۳، ص ۳۰۳). این تعبیر در متون دینی فراوان یافت می‌شوند، به گونه‌ای که برخی پژوهشگران، قرآن و روایات را عاملی مهم در گسترش روحیه اندوه‌طلبی در میان مسلمانان دانسته‌اند (میرباقری فرد و دیگران، ۱۳۸۶).

ستایش حزن و اندوه در منابع دینی عارفان مسلمان را شدیداً تحت تأثیر قرار داده است. برخی عارفان حزن را نعمتی الهی و عامل تقویت دین مؤمن و توانایی روحی وی دانسته‌اند (ابونعیم، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۱۳۳؛ قشیری، ۱۳۴۵، ص ۲۱۰).

پاسخ آن است که در دیدگاه دین، اندوه به‌خودی‌خود ارزشمند نیست و در متون دینی، اندوه ستوده اندوهی است که در برخی منابع روان‌شناسی با عنوان «اندوه هدفمند» از آن یاد شده است. در اندوه هدفمند، انرژی بیشتری به دامنه شناختی تبدیل می‌گردد و به‌سوی فعالیت‌های مثبت هدایت می‌شود (گروس، ۱۴۰۰، ص ۱۷).

از جمله موارد اندوه هدفمند حزنی است که در پی عدم انجام دستورات الهی برای انسان حاصل می‌گردد. در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده است: «ما أحد من شيعة علي أصبح صبيحة أتي بسينة أو ارتكب ذنباً إلا وقد ناله غم حطَّ عنه سيئته» (کوفی اهوای، ۱۴۰۴، ص ۴۱): «هیچ شیعه‌ای نیست که در روز مرتکب عمل زشت یا گناهی گردد، مگر آن که در شب دچار اندوهی شود که باعث فرو ریختن گناهش گردد». این حالت که نشانه فطرت سالم است، موجب می‌گردد انسان مراقبت بیشتری نسبت به رفتاراش داشته باشد و در نهایت، موجب رشد و تعالی انسان خواهد شد.

از دیگر مصادیق اندوه هدفمند، حزن بر ستم‌های وارد شده بر اهل بیت (ع) است. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمَغْتَمَّةُ لظَلَمْنَا تَسْبِيحَ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۷۰۴)؛ «نفس کشیدن کسی که برای ما نگران و برای ستمی که به ما رفته است، اندوهگین باشد، تسبیح است».

بنابراین منافاتی میان حدیث مورد بحث و این گونه احادیث وجود ندارد. اندوه بی هدف و بدون دلیل امری است نکوهیده که باید از آن به خداوند پناه برد. اما اندوه هدفمند امری پسندیده و موجب رشد و کمال انسانی است.

نکته قابل توجه دیگر این که بر اساس آموزه‌های روایی، مؤمن باید در عین حال که در دلش دچار اندوه است، آن هم از نوع هدفمند، باید تلاش کند این حالت درونی در چهره وی بروز نیابد و در هنگام برخورد با دیگران دارای رویی گشاده باشد. امام صادق (ع) در یک روایت، از جمله ویژگی‌های مؤمن را چنین می‌شمرد: «بِشْرِهِ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ» (دیلمی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۱۵)؛ «مؤمن گشاده‌روست، درحالی که در دل اندوهگین است».

با این حال، اظهار ناراحتی و اندوه در برخی موارد ویژه توصیه شده است، همانند گریه بر مصائب حضرت سیدالشهداء (ع) که در برخی روایات آمده است که خداوند فرمود: «مَنْ بَكَى عَلَيْهِ أَوْ أَبْكَى أَوْ تَبَاكَى حَزَمَتْ جَسَدُهُ عَلَى النَّارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۳۰۸). «من جسم کسی را که بر مصائب حسین بگرید یا بگریاند یا اظهار گریه کند، بر دوزخ حرام کرده‌ام».

در صورتی که انسان پیوسته چنان اندوهگین باشد که علایم آن در چهره و برخورد او با دیگران آشکار شود، مصداق «افسرده» است و چنان که روشن شد، افسردگی مورد سفارش روایات نیست.

تفسیر دوم: هشدار به عشق از جنس اندوه

یکی دیگر از انواع اضافه معنوی، اضافه جنس است، مانند «ثوب خز». در این نوع اضافه، بین مضاف و مضاف الیه حرف «من» در تقدیر است و بیان‌کننده این مطلب است که مضاف از جنس مضاف الیه می‌باشد (ابوحیان، ۱۴۰۶، ص ۴۸۸).

برخی محدثان شیعی روایت «تَعُوذُوا بِاللَّهِ مِنْ حَبِّ الْحُزَنِ» را ذیل عنوان «فی مذمة العشق» ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۱۵۸). به نظر می‌رسد آنان «حَبِّ الْحُزَنِ» را

از نوع اضافهٔ جنس دانسته‌اند، به این معنا که عشق به معنای خاص آن پدیده‌ای مذموم است، به‌ویژه که در برخی روایات چنین آمده است: «عن المفضل بن عمر قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن العشق، فقال: قلوب خلت من ذكر الله فأذاقها الله حبَّ غيره» (ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۷۶۵)؛ «از مفضل بن عمر نقل شده است که از امام صادق (ع) دربارهٔ عشق پرسیدم. حضرت فرمود: قلب‌هایی هستند که از یاد خدا تهی شده‌اند. پس خداوند محبت دیگران را به آن‌ها چشانده است».

از نگاه این محدثان، عشق محبتی است از جنس اندوه. توضیح آن که، در دیدگاه برخی عالمان، عشق به دو معنا به کار می‌رود: یک معنای متعارف و یک معنای خاص. معنای متعارف آن عبارت است از محبت شدید، و عشق به این معنا در برخی روایات به کار رفته است. در روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «أفضل الناس من عشق العبادَةَ فعانقها وأحبتها بقلبه وباشرها بجسده وتفرَّغ لها فهو لا يبالي على ما أصبح من الدنيا على عسر أم على يسر» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۳)؛ «برترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و آن را در آغوش گیرد و با قلبش دوست بدارد و ارتباط جسمانی با آن برقرار کند و خویش را برای آن فارغ سازد. برای چنین کسی مهم نیست که دنیای وی به دشواری می‌گذرد یا به آسانی».

نیز در روایتی دیگر آمده است: «من عشق ففَعَّتْ فمات دخل الجنة» (جزائری، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۱۲۱)؛ «کسی که عاشق شود اما عفت پیشه کند و در این حال بمیرد، در بهشت داخل خواهد شد». عشق به این معنا لزوماً از جنس غم نیست، بلکه گاه از جنس شادمانی است.

اما عشق به معنای خاص آن یک بیماری مالیخولیایی است که هر مقداری که انسان در مسیر آن قدم بردارد، از معرفت خداوند متعال دور خواهد شد. این بیماری که درهم‌تنیده با افکار شهوانی است، تنها با وصال به معشوق برطرف می‌گردد، و علت به وجود آمدن آن، دور بودن از ذکر الله است. با توجه به این نکات، شدت محبت به خداوند متعال را نباید «عشق» نامید. چنین تعبیری با ادبیات ائمه (ع) سازگار نیست و نباید بر اولیاء الله «عشاق الله» و بر امام معصوم «سید عاشقین» نام نهاد (نوری، ۱۴۱۱، ص ۳۲۸). حاصل آن که، «عشق» به این معنا از جنس اندوه است و ثمری جز به بار آوردن اندوه

در پی ندارد. این مطلب را از بسیاری از اشعار به خوبی می‌توان دریافت.
عشق آمیخت به دل، درد فراوانی را ریخت در پیرهنم، خار بیابانی را
(حزین لاهیجی، ۱۳۸۴ ش، ۱۷۷)

و عشق، تنها عشق
مرا به وسعت اندوه زندگی‌ها برد

(سپهری، ۱۳۹۵ ش، ۲۰۲)

تفسیر سوم: هشدار به عشق منجر به اندوه

برخی در تفسیر این روایت گفته‌اند: «شاید معنی این باشد که پناه ببرید به خدا از دوست داشتن چیزی که به نظر شما جلوه خوبی کند و مصلحت شما نباشد، بالاخره منتهی به حزن می‌شود، چه حق تعالی فرمود: ﴿عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾ (نجمی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۹).

توضیح این که، گاهی بین مضاف و مضاف‌الیه «فیه» در تقدیر است، مانند «دار السلام» که به معنای «دار فیه السلام» است (مبارکفوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۹).
بر این اساس، روایت مورد بحث را می‌توان چنین توضیح داد که حبّ به معنای عشق به معنای خاص، پدیده‌ای است که در آن حزن وجود دارد و مقصود از «حبّ الحزن»، «حبّ فیه الحزن» است.

تفسیر چهارم: هشدار به عشق مفرط به اموال و اولاد

برخی در شرح این روایت، به همین جمله بسنده کرده‌اند: «الحزن ورد بمعنی الأهل و المال» (جزائری، ۱۳۹۶، ص ۴۶۴).

مقصود آن است که بر اساس اضافه مصدر به مفعول به، می‌توان تفسیر دیگری برای این جمله در نظر گرفت و آن این که، انسان باید مراقب علاقه بیش از حد به متعلقات خویش اعم از مال و خانواده و غیره باشد، و علاقه بیش از حد به این امور چیزی است که باید از آن به خداوند پناه برد.

۲-۲-۳. بررسی دلالت «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحَزَنِ»

این جمله را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد:

تفسیر اول: هشدار به فروغلتیدن در چاهی به نام اندوه

همان گونه که در منابع ادبی آمده است، یکی از انواع اضافه معنوی، اضافه ملکی مانند «کتاب زید» و اضافه استحقاق مانند «باب الدار» است. در این نوع، بین مضاف و مضاف الیه حرف «لام» در تقدیر است (استرآبادی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۰۶). چنان که گذشت، این جمله در منابع روایی اهل سنت همراه با عبارات توضیحی در ادامه آن نقل شده است.

به نظر می رسد جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ»، آن گونه که در منابع اهل سنت آمده (با حرف جیم) را باید بر اساس اضافه ملکی یا استحقاق و به هر حال، اضافه به تقدیر لام تفسیر کرد، با این توضیح که در جهنم چاهی وجود دارد که چاه غم نام دارد، چراکه بودن در این چاه آن قدر آزاردهنده است که جهنم هر روز صدها بار از آن به خدا پناه می برد؛ گویی غم آن را از آن خویش کرده است.

تفسیر دوم: هشدار به اندوه همچون چاه

یکی از انواع اضافه که در منابع ادبیات فارسی از آن یاد شده است «اضافه تشبیهی» است، مانند «لعل لب» (شمیسا، ۱۳۷۴، ص ۲۵). از این نوع اضافه در منابع ادبیات عرب به گونه ای دیگر یاد شده است. عالمان علم بدیع در مبحث تشبیه چنین گفته اند: یکی از اقسام تشبیه، تشبیه مؤکد است. در تشبیه مؤکد برخلاف تشبیه مرسل، ادات تشبیه حذف می گردد، و از جمله موارد تشبیه مؤکد، اضافه مشبّه به به مشبّه است (هاشمی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۳۸).

با دقت در جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» تفسیری دیگر نیز به ذهن می رسد و آن این که، «از اندوهی که همچون چاه است به خداوند پناه برید». بر اساس این تفسیر، مقصود از «حزن»، اندوه منجر به افسردگی است. اندوه به این معنا به دلیل پیامدهای ناگواری که دارد، به چاهی تشبیه شده است که اگر انسان مراقب نباشد، در آن سقوط می کند و نابود خواهد شد. تعبیر «حُبِّ الْحُزْنِ» بیانگر تشبیه مؤکد است.

این تفسیر با آنچه در ذیل عنوان «اضافه مصدر به معمول» گفته شد، نزدیک است و آنچه در ذیل این عنوان آمد، در این تفسیر نیز قابل طرح است.

۳-۲-۳. تفسیر دلالتی «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ»: هشدار به غلبه اندوه

یکی از انواع اضافه، اضافه مصدر به فاعل است، مانند «أعجبنى ضربُ زيد عمرواً» (حسن، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۱۹). با توجه به این مطلب، برخی این روایت را، بر این اساس که به صورت «من حُبِّ الحزن» نقل شده باشد، چنین معنا کرده‌اند: «پناه ببرید به خدا از غلبه حزن، یعنی چون سختی روی دهد، به خدا توجه کنید تا آن را رفع کند» (نجفی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۹). بنابر این سخن، مقصود پیامبر (ص) دعوت به پناه بردن به خداوند در هنگام بروز سختی اندوهبار است.

۳-۳. بررسی تفسیرهای گوناگون و بیان نظریه مختار

تفسیر دوم از جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» (هشدار به عشق از جنس اندوه) بر این اساس است که «حُبِّ الحزن» از نوع اضافه جنس باشد. اما در وهله اول، آنچه به ذهن می‌آید اضافه مصدر به مفعول به است نه اضافه جنس. لذا تفسیر مذکور در جای خود و با توجه به قراین خارجی صحیح است، اما ظهورش نسبت به تفسیر اول، ضعیف‌تر است. تفسیر سوم از این جمله (هشدار به عشق منجر به اندوه) نیز بسیار نزدیک به تفسیر دوم است. اما تفسیر چهارم از این جمله (هشدار به عشق مفرط به اموال و اولاد) چندان قابل اعتماد نیست، چون چنان که در بخش تحلیل واژگان گذشت، آنچه به معنای اهل و مال و مانند آن آمده است، واژه «حُرَانَة» است نه «حزن».

اما اشکال تفسیر دوم از جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» (هشدار به اندوه همچون چاه): اگر این جمله بدون آنچه در منابع روایی عامه در ذیل آن آمده است نقل شده باشد، این برداشت قابل دفاع است. اما چنان که گذشت، چنین نقلی دلیل محکمی ندارد. آنچه در تفسیر جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» گفته شد (هشدار به غلبه اندوه) نیز از دو جنبه قابل مناقشه است. اولاً اساس این سخن آن است که «حُبِّ» به «غلبه پیدا کردن» یا «روی دادن» معنا شود. اما بنابر آنچه در بخش تحلیل واژگان گذشت، صحت استعمال این واژه در معانی مزبور چندان روشن نیست. ثانیاً چنان که در بخش بررسی سند روایت گذشت، نقل روایت به صورت «حُبِّ الحزن» فاقد دلیل متقن است.

بنابراین از میان تفاسیر موجود، تفسیر «حُبِّ الحزن» و نیز «حُبِّ الحزن» بنابر تفسیر

دوم و همچنین تفسیر چهارم از «حُبِّ الحزن» توجیه قابل قبولی ندارد. بر این اساس، روایت منقول در منابع عامه (تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الحزن) بر پایه وجه اول تفسیر می‌گردد و درباره روایت منقول در منابع امامیه (تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الحزن) نیز تفسیر اول دارای معنای روشن‌تری است، گرچه تفسیر دوم و سوم نیز قابل دفاع است. با توجه به مطالب پیش‌گفته، اشکال مبنی بر عدم وجود معنای صحیح در حدیث نقل‌شده در منابع روایی شیعه (نک: هاشمی خراسانی) ناتمام است، چون چنان‌که دیدیم، حدیث منقول در منابع شیعی دارای تفاسیر صحیح و قابل دفاع است.

نتیجه‌گیری

فرمایشی از حضرت رسول اکرم (ص) در مصادر اهل سنت به صورت «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» نقل گردیده و ادامه‌ای نیز برای آن ذکر شده است. شبیه به همین جمله در منابع روایی امامیه از طریق حضرت امام رضا (ع) به این صورت نقل شده است: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ». حاصل واکاوی سند این روایت آن است که اولاً سلسله سند این دو نقل و تا حدود زیادی متن آن، در منابع اهل سنت و امامیه متفاوت است و صرف شباهت این دو جمله دلیل روشنی بر راه پیدا کردن این روایت از منابع روایی اهل سنت به تراث شیعی و وقوع تصحیف در آن، چنان‌که برخی گفته‌اند، نیست. ثانیاً سند آن، هم در مصادر شیعی و هم در مصادر اهل سنت ضعیف است.

نتیجه کاوش در محتوای روایت نیز آن است که مقصود از روایت منقول در منابع اهل سنت، آن است که در جهنم چاهی وجود دارد به نام چاه غم که این منطقه جایگاه قاریان ریاکار است. بنابراین باید از ریا اجتناب نمود.

برای روایت منقول در منابع شیعی نیز حداقل دو تفسیر می‌توان ذکر کرد: الف. در این روایت پیامبر (ص) خطر عشق به افسردگی و اندوه بی‌هدف را به ما گوشزد کرده‌اند. ب. عشق به معنای خاص آن از جنس اندوه است و باید از آن به خدا پناه برد.

در نتیجه، برای جمله «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ» حداقل دو معنای معقول و کاملاً قابل دفاع را می‌توان در نظر گرفت. بنابراین اشکال وارد شده مبنی بر فقدان معنای صحیح برای روایت منقول در مصادر روایی شیعه، ناتمام است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، (تصحیح صبحی صالح). (۱۳۸۷ق). بیروت: دار الکتب اللبنانی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ش). عیون أخبار الرضا، (ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، چاپ چهارم) تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۷ق). الأمالی، قم: مؤسسه بعثت.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (بی تا). عیون أخبار الرضا(ع)، (تصحیح مهدی لاجوردی). تهران: نشر جهان.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱ق). مهج الدعوات و منهج العبادات. قم: دار الذخائر.
۷. ابن عربی، محمد بن عبدالله مالکی. (۱۴۱۸ق). عارضة الأحوذی بشرح صحیح الترمذی، (حواشی: جمال مرعشلی). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن عقیل، عبدالله. (۱۴۳۱ق). شرح الفیه ابن مالک، (تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، (تحقیق عبد السلام محمد هارون). بیروت: مرکز النشر مکتب الإعلام الاسلامی.
۱۰. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). عدّة الداعی و نجاح الساعی. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۰۶ق). تأویل مختلف الحديث. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی. (بی تا). سنن ابن ماجه، (تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۱۴. ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۰۶ق). تذکرة النحاة، (تحقیق عبدالرحمن عنیف). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۵. ابونعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی. (۱۹۶۷م). حلیة الأولیاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). معجم الفروق اللغویه، (تحقیق بیت الله بیات). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۷. استرآبادی، محمد. (۱۳۸۴ش). شرح الرضی علی الکافیة، (تحقیق: یوسف حسن عمر). تهران: مؤسسه الصادق(ع).
۱۸. برمن، کارول، (۱۳۹۸ش). اختلالات شخصیت بر اساس DSM-5 و الگوی ابعادی؛ (راهنمای عملی برای روان‌پزشکان و روان‌شناسان)، (ترجمه علی فتحی آشتیانی و آزاده محولاتی). تهران: بعثت.
۱۹. بوستانی، قاسم. (۱۳۷۴ش). فرهنگ مبین (ترجمه المنجد الأبجدی). تهران: انتشارات فقیه.
۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۲۱ق). سنن الترمذی، (تصحیح محمد بن عثمان). بیروت: دار الفکر.
۲۱. جزائری، نعمت الله. (۱۳۹۶ش). لوامع الانوار فی شرح عیون اخبار الرضا(ع)، (تحقیق سید محمد مهدی هاشمی). قم: انتشارات قرآن صاعد.

۲۲. جزائری، نعمت‌الله. (۱۴۲۹ق). الأنوار النعمانية. بیروت: دار القاری.
۲۳. حزین لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۸۴ش). دیوان اشعار، (تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار). تهران: سایه.
۲۴. حسن، عباس. (۱۳۸۴ش). النحو الوافی، (چاپ هفتم). تهران: ناصر خسرو.
۲۵. حلی، حسن بن علی. (۱۳۴۲ش). الرجال، (تصحیح محمدکاظم میاموی). تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. خسروی، فریرز. (۱۳۸۵ش). اصطلاحنامه فرهنگی سه‌زبان. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران.
۲۷. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. بی‌جا: بی‌نا.
۲۸. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن. (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب المنجی من عمل به من أليم العقاب، (تحقیق سید هاشم میلانی). قم: انتشارات رضی.
۲۹. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). أعلام الدين في صفات المؤمنين. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۳۰. راوندی، فضل‌الله بن علی. (۱۴۱۸ق). النوادر، (تحقیق: احمد صادقی اردستانی). قم: دار الكتاب.
۳۱. سامرویل، جرج. (۱۳۶۳ش). دائرة المعارف پزشکی، (ترجمه مهرداد مهرین). تهران: اسکندری.
۳۲. سپهری، سهراب. (۱۳۹۵ش). هشت کتاب: به ضمیمه زندگینامه و کتابنامه، (به کوشش نرگس علیمردانی). تهران: نشر وزراء.
۳۳. سخاوی، محمد بن عبدالرحمان. (بی‌تا). فتح المغیث (شرح ألفية الحديث). مصر: المكتبة التوفيقية.
۳۴. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴ش). بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوس.
۳۵. طریحی، فخرالدین بن محمدعلی. (۱۳۸۷ش). مجمع البحرین. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، (تحقیق عبد‌العزیز طباطبائی). قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
۳۷. عجلی کوفی، احمد بن عبد‌الله. (۱۴۰۵ق). معرفة الثقاة من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مذاهبهم وأخبارهم، (تحقیق عبدالعظیم البستوی). المدينة المنورة: مكتبة الدار.
۳۸. عسقلانی، ابن حجر. (۱۳۲۵ش). تهذیب التهذیب. بیروت: دار صادر.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العين، (تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی). قم: دار الهجرة.
۴۰. فرمهنی فراهانی، محسن. (۱۳۷۸ش). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: اسرار دانش.
۴۱. فروید، زیگموند. (۱۳۹۷ش). کودکی را می‌زنند؛ گزیده‌ای از مقالات بالینی روانکاوی فروید، (ترجمه مهدی حبیب‌زاده). تهران: نشر نی.
۴۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ق). القاموس المحيط. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴۳. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی، (تصحیح مهدی فقیه ایمانی). قم: مكتبة الإمام أميرالمؤمنين (ع).
۴۴. قرطبی اندلسی، محمد بن احمد بن ابی‌بکر. (بی‌تا). الجامع لأحكام القرآن و المبين لما تضمنه من السنة

- و آی الفرقان؛ تفسیر القرطبی، (تصحیح احمد عبد العظیم البردونی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۵. قشیری، عبدالکریم بن هوزن. (۱۳۴۵ش). الرسالة، (ترجمة حسن بن احمد عثمانی و تصحیح بدیع الزمان فروزانفر)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، (علی اکبر غفاری و محمدعلی آخوندی). تهران: اسلامیه.
۴۷. کوفی اهوازی، حسین بن سعید. (۱۴۰۴ق). المؤمن، (با مقدمه محمدباقر ابطحی اصفهانی). قم: مدرسه الإمام المهدی(ع).
۴۸. گروس، ریچارد. (۱۴۰۰ش). روانشناسی اندوه، (ترجمة رضا ستوده). تهران: انتشارات آگاه.
۴۹. مبارکفوری، محمد بن عبدالرحمن. (بی تا). تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۰. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۰۱ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال، (تصحیح بکری حیانی و صفوه السقا). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، (جمعی از محققان)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ش). احیای تفکر اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، (جمعی از محققان). تهران: اسلامیه.
۵۴. مهربار، امیر هوشنگ. (۱۳۷۳ش). افسردگی. تهران: انتشارات رشد.
۵۵. میرباقری فرد، سید علی اصغر؛ آقا حسینی، حسین؛ رضایی، مهدی. (۱۳۸۶ش). عوامل شکل گیری حزن و تحولات آن در عرفان و تصوف. پژوهش های فلسفی - کلامی، ۹(۲)، ۸۹-۱۱۲.
- <https://doi.org/10.22091/pfk.2007.160>
۵۶. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی، (تحقیق موسی شبیری). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۵۷. نجفی اصفهانی، محمد تقی. (۱۳۹۰ش). ترجمه و شرح عیون اخبار الرضا(ع). قم: انتشارات نبوغ.
۵۸. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی. (۱۴۱۱ق). نفس الرحمان فی فضائل سلمان، (تحقیق جواد قیومی اصفهانی). قم: نشر آفاق.
۵۹. هاشمی خراسانی، منصور. پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی. <https://www.alkhorasani.com>
۶۰. هاشمی، احمد. (۱۳۹۵ش). جواهر البلاغة، (تصحیح عبدالحمید مردانی، محمد تهرانی و کاظم شامیری). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۶۱. هالجن، ریچاد پی؛ ویتبورن، سوزان کراس. (۱۴۰۱ش). آسیب شناسی روانی؛ دیدگاه های بالینی درباره اختلالات روانی، (ترجمة یحیی سید محمدی). تهران: نشر روان.